

اگر قالیباف بگوید مبارزه با بی‌حجابی را تغییر می‌دهم یا فیلترینگ را نمی‌خواهم شاید رأی بیاورد

رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ضمن اینکه بر این باور است انتخابات آزاد لازمه مشروعیت نظام است، می‌گوید اگر افرادی نظیر احمدی‌نژاد و لاریجانی تایید صلاحیت می‌شدند میزان مشارکت به ۸۰ درصد می‌رسید.

به گزارش سایت خبری پرسون، شباهت بین انتخابات ۱۴۰۳ با انتخابات سال ۷۶ را قبول ندارد اما تاکید دارد شرایط می‌تواند به سمتی برود که دوم خردادی دیگر رقم بخورد، او منتقد رویکرد شورای نگهبان در بررسی صلاحیت هاست و ضمن آنکه بر ظلم و جفا به علی لاریجانی، اسحاق جهانگیری و البته با خنده به خودش را مورد تاکید قرار می‌دهد این را هم می‌گوید که «نمی‌دانم اعضای شورای نگهبان آن دنیا چگونه می‌خواهند پاسخگو باشند»

با «محسن هاشمی»، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی، رئیس پیشین شورای شهر تهران و فرزند آیت الله هاشمی چند روز پیش از اولین مناظره انتخابات به گفتگو نشستیم، او تاکید دارد فضای فعلی هنوز دوقطبی نشده است اما با موج جدیدی که پزشک‌پژشکیان ایجاد کرده - «انتخابات به سمت انتخابات بالای ۵۰ درصد می‌رود».

نسل Z از جمله محورهای اصلی این گپ و گفت بود و محسن هاشمی تاکید دارد اگر کاندیدایی سفت و سخت بگوید نحوه مبارزه با بی‌حجابی را تغییر می‌دهم یا فیلترینگ را حذف می‌کنم شاید این نسل به او اعتماد کنند.

محسن هاشمی در این گفتگو از دو کاندیدای پوششی این انتخابات حرف زد، از حمایت حزب متبوعش از مسعود پزشکیان، از ردصلاحیت لاریجانی، احمدی نژاد و جهانگیری، از اولویت های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور و

مشروح گفتگو با محسن هاشمی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران را می‌خوانید:

*آقای هاشمی! سال ۷۶ و انتخابات ریاست جمهوری آن سال، جنابعالی رئیس دفتر رئیس جمهور وقت (آیت الله هاشمی) بودید، شرایط فعلی تا چه اندازه با شرایط آن زمان شباهت دارد؟

علی رغم اینکه برخی می‌گویند فضای انتخابات فعلی شبیه سال ۷۶ است، بنده چنین حسی ندارم، به نظر می‌رسد در این انتخابات آرایش کاملاً جدید و عجیب شکل گرفته که این آرایش یا براساس تفکر ویژه‌ای انجام شده و یا خیر شورای نگهبان بدون هیچ پیش درآمد و منظوری این کار را کرده است اما به نظر می‌رسد که آرایش به نحوی انجام شده که اولاً بسیاری از مشکلات جبهه اصلاحات را حل کرده یعنی اختلافاتی که می‌توانست در صورت تعدد کاندیداها وجود داشته باشد، این آرایش برای جبهه اصلاحات حرکت مناسبی است.

انتخابات ۱۴۰۳ فضایی شبیه به انتخابات ۷۶ ندارد

از آن طرف افرادی که چیده شدند در جبهه اصولگرایی قرار می‌گیرند اما از نظر تفکری با هم اختلافاتی دارند که در انتخابات مجلس هم بروز کرد.

چیدمان فعلی و ردصلاحیت افرادی نظیر لاریجانی، جهانگیری، همتی، آخوندی و تایید تنها یک نفر از جبهه اصلاح طلبی و از آن طرف تایید صلاحیت چهره‌های شاخص قالیباف، جلیلی، پورمحمدی و البته ردصلاحیت احمدی‌نژاد، حاکی از آن است که شرایط شبیه دوم خرداد نیست.

اگر همه کاندیداها در مرحله اول تا پایان پای کار بایستند، به نظر می‌رسد که جبهه اصلاحات می‌تواند از این فرصت استفاده بهینه کند. در نتیجه بنده شرایط فعلی را شبیه انتخابات ۷۶ نمی‌دانم مگر اینکه در طول تبلیغات، مناظره‌ها و در زمان نزدیک به رأی‌گیری تعدادی از داوطلبین کناره‌گیری کنند و قبل از اینکه به مرحله دوم برویم این اتفاق بیافتد، در این حالت فضایی شبیه به انتخابات سال ۷۶ اتفاق می‌افتد اما هنوز نمی‌توان این را گفت.

*اشاره کردید شاید شورای نگهبان بدون برنامه خاصی چنین آرایش سیاسی را سامان داده است...

به دلیل اینکه کار انجام شده، نمی‌خواهم گمانه‌زنی کنم. بنده گفتم پشت چنین آرایش سیاسی می‌تواند تفکری باشد یا خیر و کاملاً براساس نظر جمع شورای نگهبان که ۱۴ نفر هستند، اتفاق افتاده باشد البته کسی نمی‌تواند آنچه بنده گفتم را باور کند، اما کار نشد ندارد، نمی‌شود همیشه با دید بد به این جمع نگاه کرد.

انتخابات فعلا ۳ یا ۴ قطبی است اما...

*بنابراین عبارت دوم خرداد دیگری در راه است، مورد قبول شما نیست؟

شرایط می‌تواند تبدیل به دوم خرداد دیگری شود اما در حال حاضر هنوز نمی‌توان این وضعیت را مشاهده کرد چراکه تعداد کاندیداهای اصولگرا زیاد هستند، اگر اینها کنار بروند و تعدادشان کم شود، شرایط به سمت دوم خرداد می‌رود.

در دوم خرداد شرایط واقعاً دو قطبی بود اما وضعیت الان ۳ یا ۴ قطبی است. برای نمونه پورمحمدی از طرف شورای وحدت وارد میدان شده و یا گروه دیگری از جلیلی حمایت کردند و یا قالیباف حمایت گروه دیگری از اصولگرایان را به همراه خود دارد اما کل جبهه اصلاحات از پزشکيان حمایت می‌کند.

قاضی‌زاده هاشمی و زاکانی کاندیداهای پوششی هستند

اگر همه آنها کنار بروند و شرایط رقابت بین جبهه اصلاحات و جبهه اصولگرایی باشد، واقعاً دوم خرداد دیگری شکل می‌گیرد و باید با دید دوم خرداد به شرایط نگاه کرد اما با پیدمان فعلی و ردصلاحیت افرادی نظیر لاریجانی، جهانگیری، همتی، آخوندی و تایید تنها یک نفر از جبهه اصلاح طلبی و از آن طرف تایید صلاحیت چهره‌های شاخص قالیباف، جلیلی، پورمحمدی و البته ردصلاحیت احمدی‌نژاد، حاکی از آن است که شرایط شبیه دوم خرداد نیست. البته قاضی‌زاده هاشمی و زاکانی کاندیداهای پوششی هستند، هر چند زاکانی سفت می‌گوید کنار نمی‌روم اما باید دید چه اتفاقی می‌افتد.

احمدی نژاد یک اصولگرای شورشی است

*با توجه به اینکه اصولگرایان احمدی‌نژاد را خودی نمی‌دانند، شاید نتوان او را در میان چهره‌های اصولگرای ردصلاحیت شده، قرار داد.

بالاخره احمدی‌نژاد از اصولگرایان شورشی محسوب می‌شود.

بعد از دو قهر پیایی، به سمت انتخابات بالای ۵۰ درصد می‌رویم

*قبل از انتخابات سال ۷۶ کاهش مشارکت تا این حد تجربه نشده بود، اما پیش از انتخابات ۱۴۰۳، در دو انتخابات قبلی شاهد کاهش مشارکت در انتخابات بودیم، در این شرایط فردی مانند پزشکيان می‌تواند قشر خاکستری و نسل Z را پای صندوق‌های رأی بیاورد؟

همانطور که گفتم اتفاقی که در این انتخابات افتاده، شباهتی به انتخابات قبل ندارد. بعد از انتخابات ۹۸ مجلس و ۱۴۰۰ ریاست جمهوری که هر دو انتخابات با مشارکت بسیار پایین بوده، الان ۴۰ درصد کل کشور و ۲۰ درصد تهران فرصت جدیدی ایجاد شده، یعنی این انتخابات با این نوع چیدمان و با تصمیم جبهه اصلاحات برای شرکت در انتخابات، می‌توان گفت فرصت جدیدی برای حاکمیت و نظام ایجاد شده که از خود انتخابات مهم‌تر است.

اگر کسی به صراحت اعلام کند که با فیلترینگ مخالف هستم و یا سفت بایستد و بگوید با این نحوه برخورد با بی‌حجابی مخالفت دارم، برای اشتغال جوانان این برنامه‌ها را دارم، توجه نسل Z را جلب می‌کند.

به این معنی که با موج جدیدی که با حضور پزشکيان در انتخابات صورت گرفت، حدود ۵۰ درصد مردم تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند، در نتیجه فرصت جدیدی است که حاکمیت باید از آن استفاده بهینه کند. به بیان دیگر بعد از دو قهر پیایی با انتخابات به سمت انتخابات بالای ۵۰ درصد می‌رویم.

حاکمیت دوست دارد انتخابات تا حدی گرم شود اما آتشش نسوزاند

اما به نظر می‌رسد حاکمیت، نظام، شورای نگهبان، وزارت کشور، مجلس و در مجموع همه تصمیم گرفتند که انتخابات گرم داشته باشیم اما اینکه تصمیم دارند انتخابات تا چه اندازه گرم شود، هنوز معلوم نیست.

بنابر قولی گفته می‌شود دوست دارند انتخابات تا حدی گرم شود که آتشش نسوزاند اگر هدف این باشد به نظرم درست نیست یعنی باید اجازه دهند فعالیت‌ها و رقابت به نحوی شکل گیرد، که شاهد انتخابات نزدیک به ۶۰ درصد باشیم. آخرین انتخاباتی که شاهد چنین مشارکتی در آن بودیم مربوط به سال ۹۶ بود که ۷۳ درصد در آن شرکت کردند، بعد از آن انتخابات ۱۴۰۰ را داشتیم که متوسط کشور ۴۰ درصد در آن شرکت کردند، الان نمی‌گوییم میزان مشارکت روی ۷۰ یا ۸۰ درصد برود که آتش بگیرند اما حداقل این است که باید شاهد انتخابات ۶۰ درصدی در کشور باشیم و آن موقع می‌توان گفت که به نوعی هم انتخاب احسن صورت می‌گیرد و هم نظام و حاکمیت برای اهداف خود به نوعی بیمه می‌شوند و به صورتی آشتی مجدد مردم با حاکمیت و نظام است که این را باید به فال نیک بگیریم.

اگر لاریجانی، جهانگیری و احمدی نژاد تایید صلاحیت می‌شدند مشارکت به ۷۰ درصد می‌رسید

*به نظر شما مشارکت ۷۰، ۸۰ درصد تبدیل به رویا شده است؟

بستگی به تایید کاندیدها دارد. اگر جهانگیری، لاریجانی و احمدی‌نژاد تایید صلاحیت می‌شدند میزان مشارکت به ۷۰، ۸۰ درصد می‌رسید.

نسل Z پای کار بیاید مشارکت بالای ۷۰ درصد می‌رود اما...

*آقای پزشک‌یان می‌تواند نسل Z را به صحنه بیاورد؟

بنده در مورد کاندیدها صحبت نمی‌کنم اما با این نوع چیدمان نمی‌توانیم بگوییم نسل Z علاقه به حضور دارد برای همین می‌گویم شاید انتخابات داغ داغ نشود. اگر نسل Z پای کار بیاید انتخابات بالای ۷۰ درصد می‌رود، همانطور که قبلاً این اتفاق صورت گرفته اما در ۶۰ درصد نمی‌توان گفت که نسل Z را قانع کردید که وارد انتخابات شود ولی با این چیدمان فکر نمی‌کنم نسل Z به میدان بیاید.

البته گفتمان کاندیدها بسیار مهم است که در مناظره‌ها مشخص می‌شود؛ هر چند گفتگوها آنقدر ثمربخش نبوده است. گفتگوهایی که پخش شده اثرگذاری بالایی نداشته، حالا اینکه چه اتفاقی در مناظره‌ها می‌افتد را باید بعداً تحلیل کرد. (این گفتگو پیش از مناظره انجام شده است)

روش های غلط در مورد حجاب و فیلترینگ نسل Z را دچار بحران کرده است

*ارزیابی شما از رفتار نسل Z به چه صورت است؟ این نسل در اعتراضات سال ۱۴۰۰ به نوع دیگری ظهور و بروز کرد، رفتارهای فعلی حاکمیت با درخواست نسل Z همخوانی دارد....

رفتار نسل Z را نمی‌توان فقط در اعتراضات مربوط به مهسا امینی ارزیابی کرد چراکه آن موقع جمع زیادی برای اعتراض نیامدند و اعتراضات چند صد هزارتایی اتفاق نیفتاد. در حال حاضر روش‌های غلطی درباره ترویج حجاب و مبارزه با بدحجابی در پیش گرفته شده که نسل Z را دچار بحران کرده است و با نگاه به اینترنت، فیلترینگ و استفاده از VPN از جمله مواردی است که این نسل را دچار بحران کرده است.

در حال حاضر همه در حال استفاده از VPN هستند و هزینه اضافی هم پرداخت می‌کنند و با این وجود شرایط بدتر هم شده است. یعنی نسل Z دسترسی به سایت‌های بد را هم پیدا کرده، در صورتی که اگر VPN نباشد و به صورت عادی نتوانند از تلگرام و اینستاگرام استفاده کنند، مسیر غلط را نمی‌روند چراکه VPN ندارند، در نتیجه می‌توان گفت همه این موارد روش‌های مدیریت فشاری غلطی هستند که متأسفانه اصولگرایان تندرو در کشور بر روی آن پافشاری می‌کنند و فکر می‌کنند با این پافشاری‌ها در انتخابات بدون حضور مردم و با مشارکت پایین از طرفداران خود رأی می‌گیرند.

تندروها لج بازی می‌کنند تا نسل Z را کنار بگذارند

بنابراین در راستای حذف رقیب از این روش استفاده می‌کنند و گرنه خودشان هم VPN دارند، به این معنی که لج‌بازی می‌کنند تا نسلی را کنار بگذارند و گروهی که طرفدار خودشان هستند، را در صحنه حفظ کنند و از آن طریق با گفتمان ویژه کاندیدهای خود را به تایید و تصویب برسانند و با انتخاباتی که میزان مشارکت آن در تهران ۱۵، ۱۶ درصد است، با ۶ درصد آرای مردم کاندید خود را وارد مجلس کنند.

در نتیجه این یک روش سیاسی است که استفاده می‌کنند در حقیقت همه آنها خودشان می‌دانند که این روش‌ها نه تنها جواب نمی‌دهد بلکه اثرش هم بدتر است. مواردی مانند فسادها، تبعیضات، نبود اشتغال مولد و این قبیل موارد مشکل نسل Z هستند که هنوز هیچ کدام از داوطلبین درباره این موارد نظری نداده است.

اگر کسی به صراحت اعلام کند که با فیلترینگ مخالف هستیم توجه نسل Z را جلب می‌کند

اگر کسی به صراحت اعلام کند که با فیلترینگ مخالف هستیم و یا سفت بایستد و بگوید با این نحوه بی‌حجابی مخالفت داریم، برای اشتغال جوانان این برنامه‌ها را داریم، توجه نسل Z را جلب می‌کند. در حال حاضر ازدواج با روش‌های سنتی ترویج می‌شود، روش‌هایی که نسل Z را تشویق نمی‌کند و یا با روش‌هایی نظیر ارائه پول و امکانات تشویق به فرزندآوری می‌کنند، در صورتی که این فرهنگ بنابر مسائل مختلفی در حال از بین رفتن است.

لذا با این قبیل گفتمان‌ها می‌توان نسل Z را ترغیب کرد. اگر نسل Z احساس کند که کاندیدایی این شعارها را می‌دهد و قدرت اجرای آن را هم دارد، پای کار می‌آیند. البته این نسل ۲، ۳ بار خاطره خوبی نداشتند به این معنی که کاندیداهایی این شعارها را دادند اما وقتی مناصب را در دست گرفتند، نتوانستند اجرا کنند، کما اینکه در دوم خرداد هم این اتفاق نیفتاد و نظام اجازه نداد خاتمی اقدامات مدنظر خود را انجام دهد، زمان روحانی هم این اتفاق افتاد.

در نتیجه نسل Z احساس می‌کند که وارد میدان می‌شود اما به نتیجه مطلوب نمی‌رسد اما چنانچه در گفتمان انتخاباتی امروز چنین اتفاقی بیافتد نسل Z هم وارد میدان می‌شود و فضای از گرمی به سمت داغی و در نهایت به سمت آتش گرفتن می‌رود.

اگر قالیباف بگوید نحوه مبارزه با بی حجاب را تغییر می‌دهم یا فیلترینگ را نمی‌خواهم شاید نسل Z اعتماد کند

*با توضیحاتی که دادید نسل Z مجدداً اعتماد می‌کند؟

خیر، با این کاندیداها که نمی‌تواند اعتماد کند. برای مثال یکی از این داوطلبینی که خیلی به حاکمیت وصل است مانند قالیباف و یا جلیلی، وارد میدان شود و بگوید می‌خواهم vpn را حل و حذف کنم، در این شرایط نسل Z می‌گوید این فرد شاید بتواند مشکل مذکور را حل کند اما اگر پزشک‌های بگوید من می‌خواهم مشکل vpn را حل کنم بعید است باور کنند اما اگر قالیباف سفت و محکم بگوید می‌خواهم نحوه مبارزه با بی‌حجاب را تغییر دهم و یا فیلترینگ را نمی‌خواهم اعمال کنم، آن وقت به این فرد که مقبولیت بیشتری در نظام دارد، شاید اعتماد کنند.

البته تا الان کسی چنین کاری را نکرده است. برای مثال شعار دادند که کاری می‌کنیم فردی با حقوق ۷، ۸ سال کارمندی بتواند مسکن بخرد اما مردم این را باور نمی‌کنند وقتی با ۱۲۰ سال کار کردن نمی‌توانند صاحب خانه شوند چگونه با ۷ سال می‌خواهند خانه‌دار شوند.

دوره اول ریاست جمهوری روحانی واقعاً دوره خوبی بود

*منظور شما این است که نسل Z دیگر به کاندیدای اصلاح‌طلب اعتماد نمی‌کند؟

مثال بنده سال ۹۲ است، سال‌های ۹۲ و ۷۶، افرادی مانند مرحوم هاشمی رفسنجانی، ناطق نوری، سیستم اعتدال و اصلاح‌طلب طی توافق متحد شده بودند، همگی پشت روحانی قرار گرفتند. مردم گفتند این بدنه و پشتوانه قدرتی در نظام هستند و حتماً می‌توانند شرایط را تغییر کنند و بعد که روحانی به ریاست جمهوری رسید، برخی اتفاقات افتاد و دوره اول ریاست جمهوری او واقعاً دوره خوبی بود، به این معنی که تورم کنترل و اشتغال ایجاد شد، علاوه بر این شاهد تثبیت قیمت‌ها بودیم.

اما در دوره دوم ریاست جمهوری او ترامپ روی کار آمد و مشکل ایجاد شد. دوره اول ریاست جمهوری روحانی به این ترتیب بود که امیدی در جوانان شکل گرفته بود و ۹۶ آمدند و رأی دادند و انتخابات ۷۳ درصدی را رقم زدند، لذا ۴ سال دوم هم حمایت کردند که اتفاق چهار سال اول بیافتد اما به اندازه‌ای موانع را زیاد کردند که عملاً باعث شد دچار سرخوردگی شوند.

البته سال ۷۶ هم این اتفاق افتاد، همان دوره هم مردم تصور می‌کردند مرحوم هاشمی رفسنجانی به میدان آمده که اقدامی انجام دهد و خاتمی رأی آورد، بعد در دور دوم هم نسبت به دوره اول رأی بیشتری به خاتمی دادند اما اختلافات به اندازه‌ای بالا گرفت که اواخر سال ۷۹ اصلاحات وارد بحران شد و در سال‌های ۸۰ و ۸۱ اختلاف زیادی پیش آمد و همه اهداف به درگیری‌های جناحی کشیده شد و مجدداً مردم و جوانان بود که به اهداف مورد نظر خود دست پیدا نکردند.

*اختلافات جناحی منجر به محقق نشدن اهداف شد یا حضور نهادهای موازی و موانعی از این قبیل؟

همان که گفتم. عده‌ای در کشور هستند که نگاه آنها به مردم زینتی برای انتخابات است. در حقیقت انتخابات را باید دید مشروعیت برای نظام نگاه کرد. اما برای عده‌ای مهم نیست که میزان مشارکت مردم در انتخابات ۲۰، ۳۰ یا ۴۰ درصدی باشد، و اتفاقاً دوست دارند که چنین اتفاقی صورت بگیرد و آنها همیشه سرکار باشند، همین افراد باعث می‌شوند که چنین اتفاقی می‌افتد.

باید دید پزشک‌های موج دوم و سوم را تا نزدیک انتخابات ایجاد می‌کند یا...

*با وجود چنین عده‌ای در کشور، یک رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب مانند پزشک‌های می‌تواند شرایط را تغییر دهد؟

حضور پزشک‌های موجی ایجاد کرد، مخصوصاً این موج که یک نفر را تایید صلاحیت کردند، مثبت بود، در نتیجه همه اختلافات کنار رفتند و مردم امیدواری پیدا کردند. گفتگوی ابتدایی پزشک‌های موج ۴۶ درصدی را ایجاد کرد، سپس گفته شد این عدد نزدیک ۵۰ درصد، بعد از این بستگی به گفتمان پزشک‌های دارد، اینکه چگونه بتواند گروه‌های مختلف اعم از اقشار، اصناف و جوانان را در موج دوم و سوم تا نزدیک انتخابات پای کار بیاورد. شعار داوطلبین آن طرف بسیار کلیشه‌ای است...

پزشک‌های همکار ندارد

*اصولگرایان؟

آنها گفتند که می‌خواهند راه رئیسی ادامه دهند، در نتیجه نمی‌توانند هیچ انتقادی داشته باشند بلکه باید بگویند وضعیت خیلی خوب بوده، در نتیجه ما می‌خواهیم راه رئیسی را ادامه دهیم و یکسری قول‌های جدید مطرح کنند.

در نتیجه دست آنها در انتقاد بسته است، از آن طرف هم با صحبت‌هایی که وجود دارد و می‌گویند انتقاد نکنید و هر کسی انتقاد کند، خلاصه....

این طرف هم به دلیل اینکه تعداد داوطلبان در سبد اصلاح‌طلبان کم است، حرف زدن سخت‌تر است البته اگر افراد دیگری بودند شاید می‌توانستند به پزشک‌های کمک کنند و در نهایت باهم تفاهم کنند و کنار بروند اما این فرصت از اصلاح‌طلبان گرفته شده و پزشک‌های همکار ندارد اما از این نظر که تنها کاندید است، شرایط به نفع او شده است.

شرایط نقد دولت سیزدهم را سخت کردند

*فضای نقد نکردن دولت سیزدهم در این روزهای انتخاباتی بسیار ملموس است، به نظر شما این فضا تا چه اندازه آسیب‌زا است؟

نگفتند نقد نکنید اما فضایی ایجاد کردند و نقد را سخت کردند. کسی نگفته نقد نکنید. بالاخره رئیسی با مظلومیت خاصی از دنیا رفت، بعد هم فضای شهیدگونه ایجاد شد، همان لفظی که در پیام رهبری مشهود بود. بعد هم شهیدگونه تبدیل به شهید شد.

الان شرایطی وجود دارد که افراد شاید علاقه ندارند ورود کنند، چراکه خود رئیس جمهور حضور ندارد. اما کسی دستور نداده که...

*اما این شرایط ایجاد شده است.

بالاخره ایجاد شده و هر کسی می‌تواند این جو را بشکند، البته فکر می‌کنم داخل مناظره‌ها شکسته شود. ردصلاحیت فردی مانند لاریجانی با فرض اینکه پیش از این رهبری گفته بودند به برخی ظلم شد و باید جبران شود، مقداری غیرمنتظره بود. در مورد جهانگیری هم وضعیت به همین ترتیب است. به عبارت دیگر ردصلاحیت لاریجانی و جهانگیری غیرمنتظره و شوکه‌کننده بود. در مورد احمدی‌نژاد با توجه به گفت‌وگوهایی که او در سال‌های اخیر پیش گرفته بود، حدس زده می‌شد که تایید صلاحیت نشود.

*نکته این است که دولت سیزدهم را باید مجموعه عملکرد وزرا و معاونان و مدیران و ...دید نه شخص رئیس جمهور شهید.

نقد در شاخصه‌های کلان نظیر تورم، اشتغال، مصرف انرژی و ناترازی‌ها است، که هیچ‌کدام مثبت نشدند.

*آقای هاشمی! مسعود پزشکیان تا چه اندازه شاخصه‌های حزب کارگزاران سازندگی را دارد؟

حزب کارگزاران سازندگی همگام با جبهه اصلاحات وارد انتخابات شد. جبهه اصلاحات گفت همه احزاب کاندیداهای خودشان را مطرح کنند، سپس رأی‌گیری شود. جبهه ساختاری دارد که حدود ۳۱ و ۱۵ شخصیت حقیقی و حقوقی حضور دارند، لذا نزدیک ۴۵، ۴۶ نفر جلسه تشکیل می‌دهند. در نتیجه احزاب کاندیداهای خود را معرفی کردند، حزب کارگزاران سازندگی بنده و جهانگیری را به جبهه معرفی کرد، البته بحثی هم در مورد همتی مطرح بود.

بقیه احزاب هم کاندیداهای خود را معرفی کردند و در جبهه اصلاحات ۶ نفر بالاترین رأی را آوردند که عبارت بودند از جهانگیری، آخوندی، پزشکیان، صادقی، زرابادی و شریعتمداری. قرار شد این افراد برنامه‌های خود را جبهه اصلاحات عرضه کنند و در نهایت جبهه از میان این ۶ نفر انتخاب کند. در نهایت آخوندی اول و جهانگیری و پزشکیان جایگاه دوم سوم آرا را کسب کردند.

خانواده هاشمی رفسنجانی از پزشکیان حمایت می‌کنند

این ۳ نفر از قبل ثبت‌نام کرده بودند و در نهایت به عنوان داوطلبین جبهه اصلاحات معرفی شدند. لذا جبهه اعلام کرد که اگر یکی از نامزدهای ما تایید شوند، در انتخابات شرکت می‌کنیم، البته نگفتند یک، دو یا سه، اما شورای نگهبان فقط پزشکیان را تایید کرد، در نتیجه کاندید حزب کارگزاران سازندگی، جهانگیری بود اما ما عضو جبهه اصلاحات هستیم، و جبهه او را به عنوان داوطلب انتخاب کرده بود و بعد از اینکه پزشکیان تایید صلاحیت شد، همگی پشت او قرار گرفتیم. حزب کارگزاران و خانواده مرحوم هاشمی رفسنجانی از پزشکیان حمایت می‌کند.

*دلایل ردصلاحیت آقای جهانگیری را پیگیری کردید؟

هنوز خیر.

جهانگیری علت ردصلاحیتش را پیگیری می‌کند

*خود آقای جهانگیری یا حزب کارگزاران نمی‌خواهد پیگیری کند...

خودشان پیگیری می‌کنند.

*علت ردصلاحیت خود در سال ۱۴۰۰ را پیگیری نکردند؟

اطلاعی ندارم.

ردصلاحیت لاریجانی غیرمنتظره بود

*آقای هاشمی! ردصلاحیت لاریجانی برای دومین بار تا چه اندازه محتمل بود؟

به نظر بنده ردصلاحیت فردی مانند لاریجانی با فرض اینکه پیش از این رهبری گفته بودند به برخی ظلم شد و باید جبران شود، مقداری غیرمنتظره بود. در مورد جهانگیری هم وضعیت به همین ترتیب است. به عبارت دیگر ردصلاحیت لاریجانی و جهانگیری غیرمنتظره و شوکه‌کننده بود.

در مورد احمدی‌نژاد با توجه به گفتمانی که او در سال‌های اخیر پیش گرفته بود، حدس زده می‌شد که تایید صلاحیت نشود اما لاریجانی و جهانگیری چنین گفتمانی را نداشتند اما احمدی‌نژاد گفتمان کاملاً اعتراضی را نمایندگی می‌کرد و این آمادگی در مورد ردصلاحیت او وجود داشت.

با موج جدیدی که با حضور پزشکیان در انتخابات صورت گرفت، حدود ۵۰ درصد مردم تصمیم گرفتند در انتخابات شرکت کنند، در نتیجه فرصت جدیدی است که حاکمیت باید از آن استفاده بهینه کند. به بیان دیگر بعد از دو قهر پیاپی با انتخابات به سمت انتخابات بالای ۵۰ درصد می‌رویم.

اما در مورد جهانگیری و لاریجانی چنین امری ممکن نبود مخصوصاً اینکه رهبری حدود ۳ سال پیش گفتند به برخی ظلم شد. بعد از این سخنان رهبری، بحث جلسه مجدد شورای نگهبان برای برگرداندن یکی از داوطلبین ردصلاحیت شده مطرح بود، البته رهبری نام کسی را نیاورد و فقط گفتند که برخی ظلم شد و فرض ما بر این بود که این ظلم هم به جهانگیری شده و هم لاریجانی.

البته خود بنده هم ردصلاحیت شدم حتماً این ظلم به من هم شده است. (خنده) اما می‌توان گفت به این دو نفر ظلم مضاعف شد و بنده به این نحوه برخورد شورای نگهبان اعتراض دارم چراکه همین برخورد را با مرحوم هاشمی رفسنجانی هم انجام دادند و این روش فعلی اصلاً برای مردم هیچ توجیهی ندارد، ضمن اینکه جایی برای اعتراض هم نمی‌گذارند.

نمی‌دانم اعضای شورای نگهبان آن دنیا چگونه می‌خواهند پاسخگو باشند

هر تصمیمی در هر جایی حداقل دادگاه تجدیدنظر دارد، یعنی جای بالاتری باید رسیدگی کند اما درباره شورای نگهبان وضعیت به این ترتیب نیست و اجازه اعتراض نمی‌دهند. نمی‌دانم در آن دنیا چگونه می‌خواهند پاسخگو باشند مخصوصاً اینکه سن همگی بالا است، خودشان باید خیلی مواظب باشند چراکه علمای وارسته‌ای هستند و حتماً عاقبت برای آنها مهم است و مثل جوانان ونسل Z نیستند که آن دنیا برایشان مهم نباشد. (خنده)

ردصلاحیت لاریجانی به بهانه واهی کار غلطی است

فردی حدود ۱۱ سال رئیس مجلس بوده، از آن طرف رئیس صدا و سیما بوده و چند حکم از رهبری دارد، علاوه بر این در شورای عالی امنیت بوده و در پرونده هسته‌ای هم بوده است. اینکه به بهانه‌های واهی ردصلاحیت می‌کنند کار غلطی است.

البته درباره ردصلاحیت لاریجانی مواردی را مطرح کردند و او هم پاسخ مفصلی داد و شکایت کرد، دادگاه هم رسیدگی کرد و به شورای نگهبان نامه نوشت که این موارد مطرح شده درباره ردصلاحیت لاریجانی صحیح نبوده است، لذا لاریجانی حتی حکم قضایی دارد. در مورد روحانی هم وضعیت به همین ترتیب است، به این معنی که نامه‌نگاری شد، صحبت شد و هیچ‌کدام از موارد قابل قبول برای فرهیختگان نیست.

* علت ردصلاحیت خود در سال ۱۴۰۰ را پیگیری کردید؟

پاسخ نمی‌دهند. بالاخره هر فردی یکسری مسائل دارد. وقتی نامه‌نگاری می‌کنیم پاسخ کلی می‌گیریم.

درباره شورای نگهبان وضعیت به این ترتیب نیست و اجازه اعتراض نمی‌دهند. نمی‌دانم در آن دنیا چگونه می‌خواهند پاسخگو باشند مخصوصاً اینکه سن همگی بالا است، خودشان باید خیلی مواظب باشند چراکه علمای وارسته‌ای هستند و حتماً عاقبت برای آنها مهم است و مثل جوانان ونسل Z نیستند که آن دنیا برایشان مهم نباشد. (خنده)

* آقای هاشمی ۳ مشکل اساسی کشور در بعد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از نظر شما چیست؟

در اقتصاد مشکل اصلی تورم است که دلایل فراوان دارد. مورد دیگر بحث ناترازی‌ها است. برای مثال در بودجه و حقوق‌ها ناترازی داریم. یکی دیگر از مشکلات بحث شدت مصرف انرژی است، این مشکل به اندازه‌ای است که الان باید انرژی وارد کند.

شرایط به نحوی شده که خود چادری‌ها چادر خود را برمی‌دارند زیرا...

در حوزه اجتماعی چند قطبی و یا دو قطبی شدن فضا یکی از مشکلات است. زمانی گفته می‌شد چادر حجاب برتر است اما الان شرایط به نحوی شده که خود چادری‌ها چادر خود را برمی‌دارند چراکه نگران هستند. بنده افراد فراوانی را دیدم که چادری هستند اما با مانتو و روسری هستند.

علاوه بر این فضای مجازی و صیانت از آن به یکی از مشکلات اجتماعی تبدیل شده و همه جوانان را در معرض خطر قرار می‌دهد و موضوع سوم تکثر در فرهنگ است، به این ترتیب که برای مثال فیلمی برای جشنواره‌ای می‌سازند اما خوششان نمی‌آید و حذف می‌کنند و یا فرد فرهیخته و سلب‌پیتی حرفی می‌زند با او برخورد می‌کنند.

در مورد سیاست مشروعیت و کارآمدی است که مشکل اصلی نظام محسوب می‌شود و باید با آن پنجه نرم کنند. هر نظامی نیاز به مشروعیت دارد که این مشروعیت از طریق قانون اساسی به دست می‌آید. لذا باید به صورت دقیق به قانون اساسی عمل کرد. اگر زیگزاگ بزنیم و موانع ایجاد کنیم، مانند همین انتخابات با ۲۰، ۳۰ و ۴۰ درصد، همگی مشکل مشروعیت برای نظام ایجاد می‌کند.

بنابراین برای مشروعیت نظام باید انتخابات آزاد را واجب بدانیم و آن را محدود نکنیم. نظام‌های موفق در دنیا از طریق احزاب مدیریت می‌شوند، به این ترتیب که احزاب درون خودشان همه کارهایی که نظام می‌خواهد انجام بدهد را اعمال می‌کنند، برای مثال کادر می‌سازند، آموزش می‌دهند، نیرو درست می‌کنند و حتی آن فیلتری که شورای نگهبان می‌خواهد انجام دهد را خود احزاب درون خودشان انجام می‌دهند، به صورتی که نظام دچار مشکل نشود.

چرا حاکمیت خودش را در معرض حذف کاندیدها قرار می‌دهد؟ اگر حزب جدی وجود داشته باشد و براساس توان کشور وجود داشته باشد، خود حزب افراد نامشروع خود را حذف می‌کند، حتماً فرد درست خود که بتواند از مردم رأی بگیرد، را معرفی می‌کند. ما به دلیل اینکه در کشور احزاب را جدی نمی‌گیریم باعث شده که نتوانیم از طریق احزاب این اقدامات را انجام دهیم. در نتیجه دچار فردگرایی می‌شویم. مسئله بعدی سیاست بین‌الملل است. دنیا به دهکده جهانی تعبیر می‌شود، شما به هر دلیلی خود را منزوی کنید باعث از بین بردن توسعه کشور می‌شود. لذا سیاست خارجه تنش‌زا باعث فقیر کردن مردم می‌شود.